

کیفیت و بررسی فعل در لهجه مشهد

مقدمه :

زبان فارسی زبان ملی مردم ایران ، افغانستان و تاجیکستان بشمار میرود . این زبان چند قرن نیز لسان رسمی ملت هند و پاکستان بوده است . زبان فارسی که در هند و پاکستان رواج دارد شاهد ادبیات بسیار گرانبهائی است که مدت تقریباً پنج قرن بتمام ملل پارسی‌زبان خدمت کرده است . شعرا و نویسندگان و محققینی که در این ناحیه از دنیا بزبان پارسی شعر گفته و مطلب نوشته‌اند کم نیستند و شرح حال و تحقیق درباره کارها و آثار آنان نه در حوصله این مختصر است و نه مربوط به امری که نویسنده بطور درصدد تحقیق آن است . شرایط تاریخی که ملل پارسی‌زبان در آن زندگی کرده‌اند زبان آنانرا تحت تأثیر شگرفی قرار داده است .

در این جا ما به تقسیم‌بندی اشکال مختلف زبان پارسی می‌پردازیم : ابتدا باید یک فرم واحدی از زبان برای تمام پارسی‌زبانها در نظر گرفت ، این فرم عبارت است از شکل قدیمی زبان پارسی که برای تمام پارسی‌زبانها یکسان است و آنرا تحت عنوان شکل (کلاسیک) معرفی میکنیم ، این زبان که از متون مختلف قدیم چون تاریخ بیهقی ، قابوسنامه ، کلیله و دمنه ، اسرارالتوحید و غیره تشکیل میشود درخور فهم تمام ادبای پارسی‌زبان است اما به احتیاجات امروزی ملل پارسی‌زبان که زبان آنها در طول تاریخ تغییر پذیرفته است جواب نمیدهد از این زبان واحد سه شکل ادبی دیگر مشتق میشود : فارسی ادبی ایران - افغانستان - تاجیکستان که اشتقاق آنها را از این زبان قدیمی میتوان بطریق زیر نشان داد .

فارسی قدیم (کلاسیک)

فارسی ایران	فارسی افغانستان	فارسی تاجیکستان

این شکل عبارت است از فارسی ادبی تحول یافته‌ای که با احتیاجات

امروزی ملل پارسی‌زبان منطبق می‌شود.

گرچه امروز زبان فارسی واحدی که جواب‌گوی تمام ملل پارسی‌زبان باشد وجود ندارد اما باید گفت که دو شکل دیگر (فارسی ادبی افغانستان و تاجیکستان) تا حدی بفرم فارسی که امروزه در ایران رواج دارد نزدیک شده است. بخصوص پارسی افغانستان، این نزدیکی و تأثیر ویژه از تاریخ جنگ دوم جهانی بطور روشنی شروع می‌شود اما دلایل آن عبارت است از پیشرفت سریع وسائل نقلیه که آمدورفت ملل را آسان می‌کند، مقدار روزافزون کتب و روزنامه‌ها و مجلات که بطور سریع بدست ملل مختلف پارسی‌زبان می‌رسد و همچنین همکاری رادیو و سینما و آلبوم‌های فراموش کرد (تاکسون فیلمهای مختلف پارسی در افغانستان نشان داده شده است).

هریک از این سه شکل که یاد شد اشکال مختلفی تحت عنوان لهجه دارند که عبارت است از زبان بتمام معنی زنده و تحول یافته یک شهر و گاهی یک منطقه و اما آنچه مربوط به فارسی کنونی ایران و لهجه‌های مختلف آن است ابتدا عبارت است از لهجه تهران که نزدیکترین لهجه به فارسی ادبی است و دیگر لهجه‌های مختلف شهرستانها و قمیات و غیره که فرق زیادی با فارسی عمومی (استاندارد) ندارد مخصوصاً لهجه‌هایی که در شهرستانهای بزرگ مثل مشهد - اصفهان

شیراز استعمال می‌شوند .

لهجه مشهد یکی از لهجه‌هایی است که روز بروز به فارسی عمومی (استاندارد) نزدیک می‌شود و این نزدیکی بهمان دلالتی است که در بالا برای فارسی افغانستان و تاجیکستان ذکر کردیم از قبیل سرعت و سائل نقلیه ، دسترسی مردم به روزنامه‌ها و مجلات ، تأثیر رادیو و سینما و همچنین تماس زوار که تعداد آنها هر روز در ازدیاد است با مردم این شهر و همچنین وجود تعداد زیادی دبستان و دبیرستان و یکتا دانشگاه این شهر . اکنون ما به بررسی کیفیت فعل که ویژگی محلی آن بر صورت‌های دیگر این لهجه برتری دارند می‌پردازیم .

با در نظر گرفتن مطالبی که ذکر شد و با توجه به اینکه لهجه‌های فارسی که تنها زبان زنده و تحول یافته شهری یا منطقه‌ای است روز بروز جای خود را به فارسی عمومی (استاندارد) داده و خود کم کم فراموش می‌شود و با فراموش شدن آنها بسی خصوصیات زبانی چون تحولات لغوی و دستوری و غیره نیز که تنها رد پا و اثر برای بررسی تحول و تطور زبان پارسی می‌باشد از بین خواهد رفت ، عده‌ای از زبان‌شناسان از چندی پیش هم خود را مصروف گردآوری و بررسی لهجه‌های فارس و ایرانی کرده‌اند که در جای خود ذکر خواهد شد. اینجانب نیز به پیروی از آنها و در خوردن خویش در لهجه مشهد به بررسی پرداخته و حاصل قسمتی از آنرا در اینجا بصورت مقاله‌ای درباره بررسی و کیفیت فعل در این لهجه که ویژگی محلی آن بر صورت‌های دیگر این لهجه برتری دارد تقدیم میدارم .

اما آنچه مربوط به نشان دادن علامات زبان‌شناسی است همان است که نزد اهل فن یکسان است و فقط ما در اینجا به بیان چند علامت که ممکن است بروشنی مطلب بیشتر کمک کند می‌پردازیم .

R =

ریشه فعل = راردیکال

G =

چ

ج = J

همچنین باید یاد آور شویم که برای نشان دادن طرز تلفظ کلمات در این لهجه بهمان رسم الخط بین‌المللی (transcription internationale) اکتفا شد و در مقابل کلمه طرز تلفظ آن بفارسی محلی به جهت نقص رسم الخط فارسی در این مورد داده نشد بلکه تلفظ ادبی آن نگاشته آمد.

کیفیت فعل در لهجه مشهدی

اغلب افعال در این لهجه دو ریشه دارند که یکی از آنها را که بصورت (R - I) نمایش می‌دهیم برای ساختن زمان‌های (حال، مستقبل، وجه التزامی ساده، امر) بکار میرود و دیگری که با شکل (R - II) نمایش می‌دهیم برای ساختن مصدر و زمانهای گذشته (ماضی مطلق، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید، وجه التزامی مرکب) استعمال می‌شود:

در حال مقایسه قطعات زیر:

/ mobor'om /	می‌بسم
/ mobor'i /	می‌بسی
/ mobor'a /	می‌بسد
/ mobor'em /	می‌بریم
/ mobor'en /	می‌برید
/ mobor'an /	می‌برند

مشاهده می‌شود که قسمتی که تغییر نمی‌کند عبارت است از قطعه /mob'or/ و فورم‌های /om/ /i/ /a/ /em/ /en/ /an/ ضمائر شخصی را نشان می‌دهند که میتوان آنها را در صورت بسته بصورت زیر از کلمه جدا نمود.

/mobor'-om/

/mobor'-i/

/mobor'-a/

/mobar'-em/

/mobar'-en/

/mobar'-an/

اکنون قطعاتی را در نظر می‌گیریم مثل :

mobar'-om

می‌بسم

b'obar'-om

ببسم

b'ord-om

ببسم

با مقایسه این سه قطعه با هم مشاهده می‌کنیم که بعد از بکنار نهادن ضمایر

شخصی آنچه بدست می‌آید عبارت است از قطعات :

/mob'or/

/b'obar/

/b'ord/

که مستقیماً با مفاهیم مضارع و وجه التزامی و ماضی مطلق در ارتباط اند. در این مقایسه بنظر میرسد که فورمی که بین سه قطعه بالا مشترک است شکل (bor) است که با مفهوم بردن بستگی دارد.

/mo/

/bo/

/d/

بدین ترتیب سه فورم علوم انسانی و مطالعات تربیتی را از قطعات بالا جدا کردیم این سه فورم مستقیماً با مفاهیم مضارع، وجه التزامی و ماضی مطلق در ارتباط اند فورمهای /mo/، /bo/، صورت‌های مختلفی دارند که

بستگی بسیلاب بعدی آن که بلافاصله بعد از /mo/ یا /bo/ قرار می‌گیرد دارد مثل

میریزم /mirizom/ میززم /me-zen-om/ می کشم /mukuš-om/

میدوشم /mu-duš-om/ میرقصم /me-reqs-om/ می بیزم /mibizom/

این مطلب را در مقاله دیگری در مورد بیان پیشوندها بتفصیل شرح خواهیم داد.

اما /d/ که علامت گذشته می‌باشد دارای صورت دیگری است مانند /t/ /t/

وقتی ظاهر میشود که حرف ملفوظی (فونم phonème) که بلافاصله پیش از آن واقع

میشود بی‌صدا باشد (Sourd) مثل f در کلمه بافتم bāft-om و در غیر

ایتصورت همجا /d/ خواهیم داشت مانند: کندم kand-om کشیدم /kišid-om/
بردم /bord-om/

آنچه در بالا گفته شد برای عده معدودی از افعال این لهجه معتبر میباشد
بعبارت دیگر افعالی که ریشه آنها در مضارع و ماضی در این لهجه تغییر نمیکند
محدوداند و اغلب افعال این لهجه آنهایی هستند که ریشه مضارع آنها نسبت به
ماضی فرق میکند.

اکنون ما به تنظیم افعال در این لهجه می پردازیم :

A-۱- افعالی که ریشه آنها در گذشته و حال تغییر نمیکنند، من باب مثال

افعال زیر را در نظر میگیریم که ریشه آن در ماضی و مضارع مشترک است :

/bāf-d-om/	بافتم
/me-bāf-om/	می بافتم
/xor-d-om/	خوردم
/mo-xor-om/	می خورم
/pojmor-d-om/	بزمردم
/mo-pojmor-om/	می بزمردم
/bor-d-om/	بردم
/mo-bor-om/	می برم

A-۲- افعالی که در ماضی مطلق قبل از /d/ (علامت گذشته) به مصوت

/i/ ختم می شوند :

/sāb'i-d-om/	ساییدم	/tāb'i-d-om/	تاییدم
/lombi-d-om/	لمییدم	/xāb'i-d-om/	خواییدم
/cāpi-d-om/	چاییدم	/jombi-d-om/	جمییدم
/demi-d-om/	دعییدم	/fāmi-d-om/	فهییدم
/dovi-d-om/	دوییدم	/lemi-d-om/	لمییدم

/kovi-d-om/	کاویدم	/jovi-d-om/	جویدم
/pesendi-d-om/	پسندیدم	/tovi-d-om/	تاویدم
/gerdi-d-om/	گردیدم	/dozdi-d-om/	دزدیدم
/gendi-d-om/	گندیدم	/xendi-d-om/	خندیدم
/qelti-d-om/	غالطیدم	/peresti-d-om/	پرستیدم
/tâzi-d-om/	تازیدم	/teni-d-om/	تنیدم
/leqzi-d-om/	لفزیدم	/nâzi-d-om/	نازیدم
/porsi-d-om/	پرسیدم	/lerzi-d-om/	لرزیدم
/mâsi-d-om/	ماسیدم	/pelâsi-d-om/	پلاسیدم
/reqsi-d-om/	رقصیدم	/resi-d-om/	رسیدم
/senji-d-om/	سنجیدم	/lisi-d-om/	لیسیدم
/renji-d-om/	رنجیدم	/gonji-d-om/	گنجیدم
/kuci-d-om/	کوجیدم	/pici-d-om/	پیجیدم
/puši-d-om/	پوشیدم	/baxši-d-om/	بخشیدم
/doroxši-d-om/	درخشیدم	/pâši-d-om/	پاشیدم
/nuši-d-om/	نوشیدم	/duši-d-om/	دوشیدم
/ciši-d-om/	چشیدم	/teraši-d-om/	تراشیدم
/kiši-d-om/	کشیدم	/juši-d-om/	جوشیدم
/jengi-d-om/	جنگیدم	/xeraši-d-om/	خراشیدم
/lengi-d-om/	لنگیدم	/lengi-d-om/	شنگیدم
/ciki-d-om/	چکیدم	/terki-d-om/	ترکیدم
/meki-d-om/	مکیدم	/xoški-d-om/	خشکیدم

تبصره - در فعل مکید تغییر استثنائی زیر دیده می‌شود. تغییری در مسوت ریشه فعل به‌لاوه تشدید در کنون آخر

/mo-mokk-om/		می مکم	مثال :
/bori-d-om/	بریدم	/cerxi-d-om/	چرخیدم
/peri-d-om/	پریدم	/bari-d-om/	باریدم
/ceri-d-om/	چریدم	/deri-d-om/	دریدم
/xāri-d-om/	خاراندم	/xeri-d-om/	خریدم
/mali-d-om/	مالیدم	/qorri-d-om/	غریدم
/īeli-d-om/	شلیدم	/nāli-d-om/	نالیدم

A-۳- افعالی که قبل از مصوت به نیمه مصوت ۷ ختم می‌شوند

/peyi-d-om/	پائیدم
/zeyi-d-om/	زائیدم
/ceyi-d-om/	چائیدم

A-۴- افعالی که ریشه ماضی و مضارع آنها فرقی با هم ندارند مگر در تغییری که در مصوت ریشه فعل پیدا می‌شود

a در زمان حاضر مرتبط می‌شود به ۵ در زمان گذشته

/me-tāban-om/	می تابانم	/tābon-d-om/	تاباندم
/mo-coppan-om/	می چپانم	/coppon-d-om/	چپاندم
/me-man-om/	می مانم	/mon-d-om/	ماندم
/me-fāman-om/	می فهمانم	/fāmon-d-om/	فهماندم
/mo-jomban-om/	می جنبانم	/jombon-d-om/	جنباندم
/me-cesban-om/	می چبانم	/cesbon-d-om/	چباندم
/me-reqsan-om/	می رقصانم	/reqson-d-om/	رقصاندم
/me-tāzan-om/	می تازانم	/tāzon-d-om/	تازاندم
//me-leqzan-om/	می لغزانم	/leqzon-d-om/	لغزاندم
/me-qeltan-om/	می غلتانم	/qelton-d-om/	غلتاندم

/me-jezzan-om/	می جزانم	/jezzon-d-om/	جزاندم
/me-ran-om/	می رانم	/ron-d-om/	راندم
/me-pican-om/	می پیچانم	/picon-d-om/	پیچاندم
/mu-pušan-om/	می پوشانم	pušon-d-om/	پوشاندم
/mu-jušan-om/	می جوشانم	/jušon-d-om/	جوشاندم
/mu-suzan-om/	می سوزانم	/suzon-d-om/	سوزاندم
/me-lerzan-om/	می لرزانم	/lerzon-d-om/	لرزاندم
/mexendan-om/	می خندانم	/xendon-d-om/	خنداندم
/me-xaran-om/	می خارانم	/xāron-d-om/	خاراندم
/me-perran-om/	می پرانم	/perron-d-om/	پراندم
/me-derran-om/	می درانم	/derron-d-om/	دراندم
/me-gerdan-om/	می گردانم	/gerdon-d-om/	گرداندم
/me-cešan-om/	می چشانم	/cešon-d-om/	چشاندم
/me-celan-om/	می چلانم	/celon-d-om/	چلاندم

ریشه فعل گذشته انسانی و مطرفه فعل حاضر

A-۴-۲ i در زمان حاضر مرتبط می شود به o در زمان گذشته -

مثل

/mor-d-om/

مردم

/mi-mir-om)

می میرم

دو فعل زیر بواسطه خصوصیتی از افعال بالا جدا می شوند آنها را تحت

عنوان افعال فرعی یا sous-groupe طبقه بندی میکنیم

۱- مصدر estondan ستانیدن در ماضی قبل از ریشه فعل دارای حرف

مصنوع es است

/eston - d - om/

ستاندم

/me - stan - om/

می‌ستانم

۲- در مصدر kendan گندن - این خصوصیت دیده میشود که ریشه ماضی آن بواسطه اختلافی که در حرف مصوت آن نسبت به ریشه مضارع دیده میشود و همچنین ساده شدن کنسولی که بصورت تشدید در ریشه مضارع پنجم می‌خورد با ریشه مضارع اختلاف دارد .

/kan - d - om/

کندم

/me - kenn - om/

می‌کنم

A- ۵- افعالی که اختلاف ریشه ماضی و مضارع آنها مربوط به اختلاف حرف صامت است (کنسون Consonne) که بر آخر ریشه فعل قرار دارد .

A- ۱- ۵- f در گذشته در مقابل b در حال قرار می‌گیرد

/tâft - om/

تافتم

/me - tâb - om/

می‌تابم

/kuft - om/

کوفتم

/mo - kub - om/

می‌کوبم

/roft - om/

روفتم

/mu - rub - om/

می‌روبم

A- ۲- ۵- f ماضی در مقابل v در مضارع قرار گرفته به علاوه حرف مصوتی

بعد از اولین حرف صامت ریشه فعل در زمان ماضی نسبت به مضارع دیده میشود .

inov فعل حاضر

مثال fonof فعل گذشته

/fonof - t - om/

شنفتم

/mo - inov - om/

می‌شنوم

A- ۳- ۵- x ماضی در مقابل z مضارع

tâz فعل حاضر

مثال tâx فعل گذشته

از مصدر تاختن /tâxtan/

/tâx-t-om/ تاختم

/me-tâzom/ می‌تازم

/endâx-t-om/ انداختم

/mendaz-om/ می‌اندازم

/sâx-t-om/ ساختم

/me-sâz-om/ می‌سازم

A-5-ε س s ماضی در مقابل r مزارع

ش kâš کاش کار kâr از مصدر کاشتن

/kâš-t-om/ کاشتم

/me-kâr-om/ می‌کارم

A-6-افعالی که ریشه ماضی و مضارع آنها مختوم به گروه مصوت-

صامت (v-c) است که این گروه در ریشه ماضی و مضارع فرق میکند -

مثال - reš زمان گذشته ris زمان حال از فعل رشتن

A-6-1- اش /eš/ ماضی در مقابل ایس /is/ در مضارع قرار می‌گیرد

/reš-t-om/ پرشتم

/mi-ris-om/ می‌ریسم

A-6-2- اخ /ox/ ماضی در مقابل اوز /uz/ در مضارع مثال sox

ماضی سوخ - سوز suz مضارع از فعل سوختن :

/sox-t-om/ سوختم

/mu-suz-om/ می‌سوزم

/dox-t-om/ دوختم

/mu-duz-om/ می‌دوزم

A-6-3- ایز /iz/ در مضارع مثال ماضی rex

رخ - ریز riz مضارع از مصدر ریختن

/rex-t-om/	ریختم
/mi-riz-om/	می‌ریزم
/bex-t-om/	بیختم
/mi-biz-om/	می‌بیزم
A - ۶-۴ /ox/ ماضی در مقابل /ez/ در مضارع	
/pox-t-om/	پختم
/me-pez-om/	می‌پیزم
A - ۶-۵ /er/ ماضی در مقابل ان /on/ در مضارع	
/ker-d-om/	کردم
/mo-kon-om/	میکنم
A - ۶-۶ /ās/ ماضی در مقابل از /ez/ در مضارع	
/var-xās-t-om/	برخاستم
/var-me-xez-om/	برمی‌خیزم
A - ۶-۷ /os/ ماضی در مقابل اور /ur/ در مضارع	
/šos-t-om/	شتم
/mūš-ur-om/	می‌شورم
A - ۶-۷ اش /ā/ ماضی در مقابل اصل /erd/ از گذشته	
/gaš-t-om/	گشتم
/me-gerd-om/	می‌گردم
A - ۶-۹ /āš/ ماضی در مقابل ار /er/ در مستقبل بعلاوه يك گروه مصوت - صامت (c - ۷) قبل از ریشه /āš/	
/gozāš-t-om/	گذاشتم
/me-zer-om/	میگذارم
A - ۶-۱۰ /as/ ماضی در مقابل اند /end/ اند در مستقبل	
/bas-t-om/	بشتم

/me-ben-d-om/ می‌بندم

A-۶-۱۱ اس /as/ ماضی در مقابل ای /i/ در مضارع

/var-jas-t-om/ برجستم

/var-mi-jji-om/ بر می‌جستم

A-۶-۱۲ اس /as/ ماضی در مقابل /in/ این در مضارع بعلاوه يك

گروه صامت-مصوت (۷ - c)

/šekas-t-om/ شکستم

/mi-škin-om/ می‌شکتم

A-۶-۱۳ اس ماضی در مقابل شین /šin/ در مضارع بعلاوه يك

گروه صامت-مصوت (۷ - c) قبل از ریشه .

/nešas-t-om/ نشتم

/mi-šin-om/ می‌نشتم

A-۶-۱۴ آخ /âx/ ماضی در مقابل اس /es/ در مضارع - این گروه

دارای يك حرف مصوت /e/ بعد از اولین حرف صامت (کنون) ریشه فعل میباشد.

/šenâx-t-om/ شناختم

/me-šnes-om/ می‌شناختم

A-۷-۱ افعالی که ریشه ماضی آنها يك حرف صامت نسبت به مضارع از

دست داده است . مثال

Aferin آفرین

Aferi آفری

از مصدر آفریدن

/âferi-d-om/ آفریدم

/mi-âferin-om/ می‌آفریدم

/zad-om/ زدم

/me-zen-om/ می‌زدم

در فعل بالا مصوت ریشه ماضی و مضارع با هم فرق دارند. در مضارع ا

و در ماضی ا /a/ می بینیم .

A - ا - افعالی که ریشه ماضی آنها دارای يك گروه مصوت - صامت

(c - y) است .

/me-tan-om/

/tanis-t-om/

/me-dan-om/

/danis-t-om/

A - ه - افعال زیر در شکل مصدری و گاهی در فورم امری دارای

خصوصیاتی هستند که در افعالی که در بالا شرح دادیم بچشم نمی خورند بطوری

که ریشه آنها در مصدر و مضارع و ماضی و امر فرق میکند .

مثال best ریشه اول ben ریشه دوم bast ریشه سوم

از مصدر بستن bestan

/me-ben-d-om/

می بندم

/bas-t-om/

بستم

/gaš-t-om/

گشتم

/bestan/

بستن

/geštan/

گشتن

/me-ger-d-om/

میگردم

/mi-jji-om/

می جهیم

/jas-t-om/

جستم

/kan-d-om/

کنم

/jestan/

جستن

/kendan/

کندن

/me-kenn-om/

میکنم

/mi-oft-om/

می افتم

/oftā-d-om/

افتادم

/tenist-om/

توانتم

/oftedan/

افتادن

/tenestan/

توانستن

/me-ten-om/

می توانم

/var-m-xez-om/

بر می خیزم

/varxās-t-om/

برخاستم

/zad-om/

زدم

/varxestan/

برخاستن

/zedan/

زدن

/mezen-om/

می زنم

/medan-om/

میدانم

/danis-t-om/

دانستم

/šekas-t-om/	شکتم	/danes-tan/	دانستن
/miškin-om/	می شکم	/bešken/	بشکن
/gozâš-t-om/	گذاشتم	/šekest-an/	شکستن
/mezer-om/	می گذارم	/gozeš-t-an/	گذاشتن
/šenâx-t-om/	شناختم	/bešnâs/	بشناس
/me/šnes-om/	می شناسم	/šenâx-t-an/	شناختن

در دو فعل زیر

/moxâm/	می خواهم	/xâstom/	خواستم
/miâm/	می آیم	/amadom/	آمدم

ریشه فعل با ضمائر شخصی آنها درهم آمیخته است (amalgame)

برای اثبات این مدعی یکی از افعال مثلا می آیم /miâm/ را در نظر میگیریم

در این فعل ریشه و ضمیر فاعلی درهم آمیخته است ممکن است بگویند که /m/

صورتی است از ضمیر فاعلی /om/ ، /â/ ریشه فعل است میگوئیم اگر بعوض

شخص مفرد /miâm/ سوم شخص مفرد /mia/ را انتخاب می کردیم چنین نتیجه ای

گرفته نمیشد زیرا پس از بکنار نهادن /mi/ میشوند آنچه در این فعل باقی میماند /a/

است و چون /a/ جای دیگر بعنوان ضمیر فاعلی نشان داده شده است بنا بر این در

این جا فعل، دارای ریشه صفر میباشد .

آنچه برای فعل بالا گفته شد در مورد فعل /moxâm/ میخوام نیز صادق است

ضمایر

B - ۱- ضمائر مشخص چنانکه آنها را قبلا نشان داده ایم چنین اند :

/em/	ام
/om	ام
/en/	ان

/i/	ای
/an/	ان
/a/	ا

باستثنای سوم شخص مفرد استعمال ضمائر در ماضی مطلق و مضارع بیک شکل است.

مثال:

xor-d-om	خوردم
moxor-em	می خوریم
/mo-xor-om/	می خورم
xor-d-i	خوردی
mo-xor-en	میخوردید
/mo-xor-i/	می خوری
xor-d	خورد
mo-xor-an	می خوردند
/moxor-a/	می خورد
xor-d-em	خوردیم
xor-d-en	خوردید
xor-d-an	خوردند

علامت ضمیر سوم شخص مفرد در ماضی مطلق مضارع است.

مثال:

mo-xor-a	می خورد	xord	خورد
----------	---------	------	------

جدول ضمائر بدست آورده را میتوان بدین طریق رسم کرد:

اول شخص	- om	- em
دوم شخص	- i	- en
سوم شخص	- a (II)	- an

G-۱. پیشوندها - استعمال دو نوع پیشوند فعلی در این لهجه مرسوم است

1- m + 7

2- b + 7

G-۱-۱. ارزش استمراری دارد و در ساختمان زمانهای استمراری و

ماضی بکار میرود :

تبصره - همین پیشوند را در زمان حال مشاهده میکنیم مانند moxor-om

ولی باید گفت که این پیشوند در این جا عمل استمرار ندارد و فقط زمان

حال یا آینده را بیان میکند زیرا در مقابل آن فعلی مانند خورم xorom

استعمال نمیکنیم که این پیشوند در اینجا دلیل بر استمرار باشد .

G ۲ b+7 مشخص زمانهای التزامی و امری است . خصوصیت آهنگی

مصوتی که به b یا m اضافه میشود بستگی بسیلابی که بلافاصله بعد از آن میآید

دارد مگر اینکه این سیلاب /s/ از صامتی با اضافه مصوتی مانند یا i, a, ā

ساخته شده باشد در این صورت مصوتی که به m یا b اضافه شده است عبارت خواهد

بود از o برای i'ā برای e, i برای i, a, ā (برای روشن شدن مطلب

به قسمت استثنای ذکر زیر رجوع شود) *بجایگاهت فریبگی*

مثال : برای مثال *مجلس علوم انسانی*

me-zen-i	میزنی	me-zen-om	میزنم
mo-xor-om	میخورم	me-zen-a	میزند
mo-xor-a	میخورد	mo-xor-i	میخوری
me-ken-i	میکنی	mo-kon-om	میکنم
mo-bor-om	می برم	me-ken-a	میکنند
mo-bor-om	می برد	mo-bor-i	می بری
mu-duz-i	میدوزی	mu-duz-om	میدوزم
mu-dox-t-om	می دوختم	mu-duz-a	میدوزد

mu-šur-i	می شوئی	mu-šur-om	می شویم
mo-šos-t-om	می شستم	mu-šur-a	می شوید
mi-gir-om	می گیرم	mi-šin-om	می نشینم
		mi-cin-om	می چینم

استثنائات

moxâb-om	
me-bâf-om	می بافم
mi-of-t-om	می افتم
me-bâz-om	می بازم
me-ga	میگوید
me-gi	میگونی
me-ri	میروی

مثال برای b + v

bi-šin-om	بنشینم
bi-šin	بنشین
bi-šin-a	بنشیند
bo-xor-om	بخورم
bo-xor-i	بخوری
bo-xor-a	بخورد
bi-gir-om	بگیرم
be-zer-i	بگذاری

استثنائات:

boxâb-om	بخوابم
be-gi	بگونی
be-ri	بروی
be-ra	برود

چگونگی وجه و زمان

D-۱- زمان حال و مستقبل تشکیل میشود از ریشه فعل (R - I) و ضمائر

فاعلی که مستقیماً بعد از ریشه فعل میآیند و همچنین میشوند مثال:

me-xend-om	می خندم
me-xend-i	می خندی
me-xend-a	می خندد
me-xend-em	می خندیم
me-xend-en	می خندید
me-xend-an	می خندند
mo-bor-om	می برم
mo-bor-i	می بری
mo-bor-a	می برد
mo-bor-em	می بریم
mo-bor-en	می بردید
mo-bor-an	می برند

ساختمان زمان حال و مستقبل را می توان بدین طریق در جدول زیر نشان

داد:

$$\boxed{\text{ضمایر فاعلی} + \text{R I} + \gamma + \text{m}}$$

زمان حال همیشه در این لهجه بجای زمان آینده نیز بکار میرود یعنی برای

زمان حال و آینده در این لهجه یک شکل بیشتر وجود ندارد.

مثال:

fardā bezeš mo-gom

فردا باو میگویم (خواهیم گفت)

امشب در خانه منتظر من باش میآیم (خواهم آمد)

emšov xana montezer-e mo bāš miām

D - ۲- وجه التزامی ساده تشکیل شده است از R - I با اضافه ضمائر فاعلی که مستقیماً بعد از آن قرار میگیرند و میشوند $b + v$

مثال :

be-zen-om	بزنیم
be-zen-i	بزنید
be-zen-a	بزند
be-zen-em	بزنم
be-zen-en	بزنی
be-zen-an	بزند

در مقابل زمان حال که از مطلبی حقیقی و قطعی صحبت میکند وجه التزامی در موردی استعمال میشود که به معنای ظهور رسیدن فعل کاملاً قطعی نباشد. ساختمان وجه التزامی ساده را می توان بطریق زیر نشان داد :

ضمایر + R - I + v + b

وجه التزامی میتواند در مورد بیان آرزو یا امید نیز بکار رود :

مثال :

pir-ber-i	پیرشوی
gol-beš-i	گل باشی

در مورد نفی یا نهی وجه التزامی بدون میشوند $b + v$ بکار میرود .

مثال :

xodā-nekena	خدا نکند
jonommarg-neri	جوان مرگ نشوی

G - ۳- وجه امری تشکیل می شود از ریشه فعل R I با اضافه میشوند $b + v$

مثال :

be-de	بده
be-zen	بزن

ساختمان وجه امری را میتوان بدین طریق نشان داد :

$$\boxed{b + v + R I}$$

وجوه مشتق از ریشه دوم فعل :

C - ۴ - ۱ - صفت معمولی یا وجه وصفی تشکیل شده است از ریشه دوم فعلا

(R - II) باضافه مصوت ■

مثال :

xorda	خورده
bord-a	برده
kerd-a	کرده
reft-a	رفته

C - ۵ - ماضی مطلق تشکیل میشود از ریشه دوم فعل (R II) باضافه

ضمایر شخصی متصل فاعلی :

goft-om	گفتم
kerd-om	کردم
xerid-om	خریدم
bord-om	بردم
did-om	دیدم

ساختمان ماضی مطلق را میتوان بدین طریق نشان داد :

$$\boxed{R II + d - t + \text{ضمایر}}$$

ماضی مطلق فعلی را که در زمان گذشته با تمام رسیده و ختم شده است

تعیین میکند .

مثال :

liv'ân az d'astom oft'âd-o-šek's لیوان از دستم افتاد و شکست

۶ - ماضی استمراری - ماضی استمراری عملی را که در گذشته بطور

استمرار انجام گرفته بیان میکند مثل:

mo-x'ord-om	می‌خوردم
mer'aft-om	میرفتم
moke amad'om to mer'afti	من که آمدم تو میرفتی
'unje cek'ar mekerdi	آنجا چکار میکردی

ساختمان ماضی استمراری چنین نشان داده می‌شود:

$m + v + R II + d - t +$ ضمائر

وجه استمراری همچنین برای بیان شرط بکار می‌رود.

'ager miamad'i midi'dil	مثال: اگر می‌آمدی میدیدیش
	C - ۷ - ماضی نقلی - ماضی نقلی تشکیل میشود از
	ضمائر $R II + d - t +$

مثل:

xeri-d'-em	خریده‌ایم
xeri-d'-en	خریده‌اید
xeri-d'-an	خریده‌اید
xeri-d'-om	خریده‌ام
xeri-d'-i	خریده‌ای
xeri-d'-a	خریده‌است

ماضی نقلی جز بکمک (آکان) از ماضی مطلق مشخص نمی‌گردد مگر

در سوم شخص مفرد.

xerida	ماضی نقلی
xerid	ماضی مطلق

بدین شرح که تکیه (آکان) در ماضی نقلی روی آخرین سیلاب قرار

می‌گیرد در صورتیکه در ماضی مطلق روی سیلاب قبل از آخر

	ماضی نقلی
xeri-d'om	خریده‌ام
xerid'i	خریده‌ای
xerid-a	خریده
	ماضی مطلق
xer'i-d-om	خریدم
xer'i-di	خریدی
xeri'd	خرید

با بیانی دیگر اینطور می‌گوئیم که تکیه (آکان) در ماضی نقلی همیشه روی ضمائر قرار می‌گیرد در صورتیکه در ماضی مطلق روی سیلاب قبل از ضمیر . ماضی نقلی عملی را که در گذشته انجام شده بیان میکند با ارجاع آن بزمان حال

yâru ameda	یارو آمده
nâhâr xord'om	ناهار خورده‌ام

C - نوعی ماضی استمراری (le parfait duratif) تشکیل میشود از پیشوند

m + v که بر ماضی نقلی در آید ساختمان این ماضی را بدین صورت میتوانیم نشان

دهیم .

$$| \text{ضمایر} + \text{تکیه} + \text{d-t} + \text{R II} + \text{m} + \text{v} |$$

مثال :

آنوقت مادرم مرا آنجا دیده‌است که داشته‌ام گریه می‌کرده‌ام .

'u vax nan'am mora unje dida ke dešt-om girya me-kerd-om

برادرم میگفت که پدرم داشته مرا میزده که او رسیده .

dâdâ'om mog'of ke bâbâm mo'ra mezed'a ke 'u resida

C - ماضی بعید از وجه وصفی با اضافه ماضی مطلق فعل بودن

تشکیل میشود .

مثال :

xerid'a budi	خریده بودی
xerida bud-om	خریده بودم
xerida bud	خریده بود

ساختمان این فعل را میتوان بطریق زیر نشان داد :

ضمایر +d+ ماضی مطلق فعل بودن + وجه وصفی

مثال در جمله :

وقتی که من آمدم آنها رفته بودند

v'axte ke mo amad'-om unā reft'a budan

G سه وجه التزامی مرکب تشکیل میشود از وجه وصفی باضافه صورت التزامی ساده فعل بودن .

مثال :

xerida-baī-om	خریده باشم
xerida baī	خریده باشی
xerida baīa	خریده باشید

ساختمان فعل التزامی مرکب را میتوان از طریق زیر نشان داد .

ضمائر + صورت التزامی ساده فعل بودن + وجه وصفی

زمانی از فصل در این لهجه:

$m+v$	R	ضمائر	زمان حال و مستقبل	وجه التزامی ساده	ماضی مطلق	ماضی ظنی	نوعی ماضی استمراری	ماضی استمراری	ضمائر	ماضی بعید	وجه التزامی مرکب
$b+v$	R	ضمائر									
$m+v$	R + تکیه	$d(t)$	ضمائر								
$m+v$	R	$d(t)$	ضمائر + تکیه								
$m+v$	R	$d(t)$	ضمائر + تکیه								
$m+v$	R + تکیه	$d(t)$	ضمائر								
R	R	$d(t)$	a					bud بود	ضمائر		
R	R	$d(t)$	a					bāš باش	ضمائر		